



502F



502

F

نام
نام خانوادگی
محل امضاء

عصر جمعه
۹۱/۱۲/۱۸



جمهوری اسلامی ایران
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
سازمان سنجش آموزش کشور

اگر دانشگاه اصلاح شود مملکت اصلاح می‌شود.
(امام خمینی (ره))

آزمون ورودی
دوره‌های دکتری (نیمه متمرکز) داخل
در سال ۱۳۹۲

رشته‌ی
زبان و ادبیات عرب (کد ۲۸۰۲)

مدت پاسخگویی: ۱۰۵ دقیقه

تعداد سؤال: ۷۰

عنوان مواد امتحانی، تعداد و شماره سؤالات

ردیف	مواد امتحانی	تعداد سؤال	از شماره	تا شماره
۱	زبان عربی (عمومی)	۷۰	۱	۷۰

اسفندماه سال ۱۳۹۱

این آزمون نمره منفی ندارد.

استفاده از ماشین حساب مجاز نیست.

حل جاب و تکثیر سؤالات پس از برگزاری آزمون برای تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی تنها با مجوز این سازمان مجاز می‌باشد و یا متفلسفین برابر مقررات رفتار می‌شود.

■ ■ عین المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (۱ - ۸)

- ۱- عین الخطأ في معنى المفردات:
- (۱) الحوب = الإثم (۲) الترح = البرودة (۳) مكبل = مقيد (۴) مستوسقة = مجتمعة
- ۲- عین الصحيح في الترادف:
- (۱) أقل = حمل (۲) انسدل = تراجع (۳) طرز = أشرق (۴) يؤوب = يأتي
- ۳- عین الخطأ في التضاد:
- (۱) سحيق ← قريب (۲) مترعة ← خالية (۳) فيظ ← صميم الشتاء (۴) مهورف ← مستغيث
- ۴- عین المناسب للفراغ: «... حوادث في العالم المنصرم لم تكن نتوقعها!»:
- (۱) أستجدت (۲) استجدت (۳) تجددت (۴) جدت
- ۵- عین المناسب للفراغ: «... الصحف يومياً من الأنباء!»:
- (۱) أعلنت (۲) نشرت (۳) نعلن (۴) تخبر
- ۶- عین المناسب للفراغات:
- « من يريد الاستعارة من المكتبة... أن يسلم على الكتاب... تأمينات... إليه عند إعادة الكتاب! »:
- (۱) فعلیه / المستعار / تعاد (۲) يجب / المستعير / تعود
(۳) يلزم / المأخوذة / برد (۴) عليه / المرادوة / يعطون
- ۷- « فإن الزند يورى بافتاح! ». عین المناسب للمثل:
- (۱) قلب له ظهر المجن!
(۲) مهتاب به گز پيمودن!
(۳) ما نفع السهام بلا نصال!
(۴) کار نیکو کردن از پر کردن است!
- ۸- « عند الضدائد تذهب الأحقاد! ». عین المناسب للمثل:
- (۱) ريشة بيداد برخاکستر است!
(۲) آتش کند پديد که عود است با حطب!
(۳) سگ سگ گزد، لیکن چون گرگ بینند با هم شوند!
(۴) دوست آن باشد که گیرد دست دوست در پریشان حالی و درماندگی!

■ ■ عین الأصحّ و الأدقّ في الجواب للترجمة أو المفهوم أو التعريب (٩ - ٢٤)

٩- « كشفت استطلاعات للرأي العام عن انخفاض كبير في شعبية الحكومة، و عزا الخبراء ذلك إلى زيادة اضراب المفروضة على المنتجات البترولية! »:

(١) بعضی نظر سنجیها حکایت از کاهشی شدید در میزان محبوبیت دولت دارد، و کارشناسان عامل آن را افزایش مالیاتهای وضع شده بر تولیدات نفتی می‌دانند!

(٢) سنجش آراء عمومی حکایت از پایین آمدن شدید محبوبیت کابینه بین ملت دارد، و کارشناسان خبره سبب آن را وضع مالیاتهای سنگین بر تولیدات نفتی دانسته‌اند!

(٣) برخی نظر سنجیها حاکی از کاسته شدن شدید محبوبیت ملی دولت می‌باشد، و علت آن را کارشناسان، مالیاتهای سنگینی می‌دانند که بر تولیدات نفتی وضع شده است!

(٤) سنجش آراء عمومی حاکی از کم شدن شدیدی در محبوبیت کابینه بین مردم می‌باشد، و افراد مطلع علت آن را بالا رفتن مالیاتهایی می‌دانند که بر مواد نفتی وضع شده است!

١٠- « كثيراً ما نطن الأنظمة الديكتاتورية في المنطقة أن الاعتماد على التعطيم الإعلامي قد يساعد على بقائهم في الحكم! »:

(١) در اغلب اوقات نظامهای استبدادی در منطقه گمان می‌کنند تکیه کردن بر سانسور خبری به ادامه حکومت آنان کمک می‌کند!

(٢) چه بسا رژیمهای دیکتاتوری منطقه برای استمرار بخشیدن به حکومت خود به ظن خویش دست به سانسور تبلیغاتی می‌زنند!

(٣) بسا اتفاق افتاده است که نظامهای استبدادی منطقه به منظور بقای خود بر سلطه به ظن خویش اقدام به سانسور تبلیغاتی می‌کنند!

(٤) در بسیاری از اوقات رژیمهای دیکتاتوری منطقه گمان می‌کنند تکیه کردن بر سانسور خبری ممکن است به بقای آنها بر سر قدرت کمک کند!

١١- « حاولت عبثاً أن أوفق بين ما روي لي، و بين هيئة الموظفة التي تنطق بالحشمة و الصون! »:

(١) بیهوده سعی کردم میان آنچه برایم نقل شده بود و ظاهر آن کارمند که بر حیا و متانت دلالت داشت، ارتباطی برقرار کنم!

(٢) بیهوده تلاش می‌کردم بین آنچه برایم گفته بودند و حالت کارمندی که با حیا و متانت صحبت می‌کرد، وجه مشترکی پیدا کنم!

(٣) بدون هیچ فایده‌ای سعی می‌کردم بین داستانی که برایم تعریف کرده بودند و بزرگواری و حرمت کارمندی که سخن می‌گفت، وجه مشترکی بیابم!

(٤) بی‌هیچ فایده‌ای تلاش کردم میان حکایتی که برایم نقل کرده بودند و شکل و شمایل کارمندی که از احترام و بزرگواری برخوردار بود، رابطه‌ای بیابم!

- ۱۲- « تَهَابُ سِيوفِ الْهِنْدِ وَ هِيَ حَدَائِدُ فَكَيْفَ إِذَا كَانَتْ نِزَارِيَّةً غَرِيْبًا!»:
- ۱) هیبت شمشیرهای هندی به آهنین بودن آنهاست، تا چه رسد به اینکه از جنس عربی نزاری باشند!
 - ۲) تیغهای هندی هیبت دارند چه از آهن هندی هستند، تا چه رسد به اینکه از آهن نزاری عربی باشند!
 - ۳) تیغهای هندی ترسناک هستند و حال اینکه از آهن می‌باشند، حال اگر عربی نزاری باشند چگونه خواهند بود!
 - ۴) هیبتی که در شمشیرهای هندی است از آهنین بودن آنهاست، حال اگر از جنس نزاری عربی بوده باشند، وضع چگونه خواهد بود!
- ۱۳- « وَ مَا نُوْبِ الْاَيَّامِ اِلَّا اَسْنَةٌ تَهَاوِي اِلَى اَعْمَارِنَا وَ نِصَالًا!»:
- ۱) حوادث روزگار چون سرنیزه‌هایی هستند که بر عمر ما فرود می‌آیند!
 - ۲) در جوار او سالهای طولانی چون روزها گذشت و سالها از عمر ما کاست!
 - ۳) چند روزی که او جانشین شده بود به اندازه چند سال بر عمر ما اثر مثبت داشت!
 - ۴) روزهای زندگی ما نمایانگر سالهاست که از عمر ما می‌گذرد و آن را کوتاه می‌سازد!
- ۱۴- « قَدْ جَعَلَ الْمُبْتَعُونَ الْخَيْرَ مِنْ هَرَمٍ وَالسَّائِلُونَ اِسَى اَبْسَاوِبِهِ طُرُقًا اِنْ تَلَقَى يَوْمًا، عَلَى عِلَاقَتِهِ، هَرَمًا تَلَقَى السَّمَاخَةَ مِنْهُ وَ النَّدَى خُلُقًا!»:
- ۱) درخواست‌کنندگان، احسان «هرم» را طلب می‌کنند و سائلان راههای خانه او را آموخته‌اند، اگر یک روز هرم را فقیر دیدی، بدان که بخاطر بخشش و نیکی فقیر شده است!
 - ۲) درخواست‌کنندگان و سائلان خیر و نیکی از «هرم» بسوی درهای خانه او راههایی قرار داده‌اند، و اگر روزی هرم را در حال نداشتن ببینی، بخشش و جود را سیرت او خواهی یافت!
 - ۳) آنانکه در طلب خیر هستند، «هرم» را مقصد خود قرار می‌دهند و در پی یافتن راههای خانه او هستند، اگر روزی ببینی که بیماری و فقر بر او مسلط شده، خواهی دید که بخشش و جود دیگر موجود نیست!
 - ۴) طالبان خیر و احسان، تمام بخشش را از طرف «هرم» می‌بینند، و سائلان در جستجوی راهی برای رسیدن به جود اویند، پس اگر روزی دیدی که هرم با فقر و نداری فرین شده، یقین داشته باش که بخشش و جود جزئی از خلقت او شده است!
- ۱۵- « نَاشِدَتْكُمْ تَنَكُ الذَّمَاءُ زَكِيَّةً لَا تَبْعَثُوا لِلرِّمَالِمْ جَهْلًا!»:
- ۱) شما را به آن خونهای پاک قسم دادم که فرد جاهل را به پارلمان ارسال نکنید!
 - ۲) آن خونهای پاک را به شما گوشزد کردم و گفتم که در مجلس جاهلانه رفتار نکنید!
 - ۳) برای شما سرود خونهای پاک را خواندم و گفتم که مجلس را به جهالت آلوده نکنید!
 - ۴) شما را به آن خونهای مقدس سوگند دادم که در مجلس از روی جهالت اغتشاش ایجاد نکنید!

- ۱۶- « أقمتُ بَرضَ مصر، فلا ورائي تخبةً بي الركاب، و لا أمامي! »
 (۱) أقمت و لا أبرح في مصر، و لا مركب لي حتى أغادرها و أعود إلى وطني!
 (۲) ما برحت مقيماً في مصر، و لا أرى ركباناً أمامي أو خلفي في كَرٍّ أو قَرٍّ!
 (۳) إنني مقيم أرض مصر، و الخيول تكرر و تفرق من أمامي و من خلفي!
 (۴) لا أبرح مقيماً في أرض مصر، و لا مخرج لي منها و لا مدخل!
- ۱۷- « أكتُم أخبارَ الهوى عن عواذلي و للدمع مني بالمدامع أتياءً
 فيا عجباً مني لإنسان مُقتلي يحدث أخباري، و في فمه ماء! ». عَيْنُ الخَطَأِ في المفهوم:
 (۱) كلما يحاول الشاعر أن يكتُم الحبَّ و العشق لا يفوز!
 (۲) يتعجب الشاعر من فمه الذي يفشي سرَّه عند اللائمين!
 (۳) عين العاشق تظهر ما في قلبه من الهوى فلا يفيد سعيه!
 (۴) دموع العاشق تخبر أخبار الحبِّ للائمين، فتتكشف أسرارُه!
- ۱۸- عَيْنُ ما يَخْتَلِفُ معنَى عن الأبيات الأخرى:
 (۱) أروني بخيلاً طال عمراً ببخله و هاتوا كريماً مات من كثرة البخل!
 (۲) أريني جواداً مات هزلاً، لعنني أرى ما ترين، أو ببخيلاً مخذلاً!
 (۳) يرى البخيلُ سبيلَ المالِ واحدةً إن الجواد يرى في ماله سبلاً!
 (۴) و ليس بخيلُ النفسِ بالمالِ خالداً و لا من جوادٍ، فاعلمي، ميتٌ هزلاً!
- ۱۹- « كتابي را به او امانت دادم، اما متأسفانه توجّهی به حفظ امانت نکرد! ». عَيْنُ الصحيح:
 (۱) استعرتَه كتاباً، ولكن من سوء الحظِّ لم يحفظ الانتباه للأمانة جيداً!
 (۲) أعطيت كتاباً له، و لكنّه من المؤسف لم يراع الأمانة حفظاً لها!
 (۳) دفعت له كتاباً أمانة، أمّا إنّه مع الأسف لم يهتم بالأمانة جيداً!
 (۴) أعرته كتاباً، لكنّه مع الأسف لم يعر اهتماماً لحفظ الأمانة!
- ۲۰- « با استفاده از خدمات پیش پرداخت کارتهای اعتباری هوشمند، می توان هزینه های خود را مهار کرد! »:
 (۱) يمكن التحكم بمصاريفنا مع خدمة الدفع المسبق لبطاقات الاعتماد الذكية!
 (۲) بالاستفادة من خدمات الدفع المسبق لبطاقات الذكيّة المعتبرة نستطيع أن نحفظ بكلفتنا!
 (۳) إن الاحتفاظ بكلفتنا يمكن عن طريق الاستفادة من الخدمات الأولى لبطاقات إلكترونية المعتبرة!
 (۴) نستطيع أن نسجل عوائدنا بالاستفادة من إمكانيّات البطاقات الإلكترونيّة عن طريق الإعطاءات المسبقة!

۲۱- « ما باید تلاش کنیم بهانه‌ای به دست سلطه‌جویان ندهیم تا نتوانند از آن در هدفهای توسعه طلبانه خود علیه ما استفاده کنند! »:

- ۱) إنا مطالبون بالمحاولة لسنّ الذرائع تجاه السلطويين لئلا يستطيعوا أن يستغلّوها ضدنا في غاياتهم التوسعية!
- ۲) نحن يجب أن نحاول حتى لا نسلم ذريعة بيد أصحاب السلطة حتى يستغلّوها في غاياتهم التوسعية ضدنا!
- ۳) لنحاول حتى نزيل الذريعة للسلطويين حتى لا يستطيعوا أن يستفيدوا منها في أغراضهم التوسعية ضدنا!
- ۴) يجب أن نحاول للحيلولة دون الذرائع للسلطويين ليستغلّوا تلك الذرائع ضدنا في أهدافهم التوسعية!

۲۲- « کاش این ثروتمند وقتی نفسهای آخر خود را می‌کشید سهمی از اموال خود را برای فقرا تخصیص داده بود تا دروغ بودن ادعاهایش برملا نشود! »:

- ۱) حری لهذا المثرى لما كان يتنفس بنفسه الأخير أن يضرب للفقراء من ماله حصّة، حتى لا تظهر زيف مدّعاہ!
- ۲) لو أن هذا الثري كان قد خصّص سهماً للفقراء من أمواله لما كان يتنفس الصعداء، كي لا يتبين زيف ادّعاءاته!
- ۳) ليت الثري هذا كان قد ضرب للفقراء في أمواله حصّة عندما كان يلفظ أنفاسه الأخيرة، لئلا يظهر زيف مزاعمه!
- ۴) حبذا لو كان المثرى هذا قد خصّص للفقراء حصّة من ماله عندما كان قد لفظ أنفاسه الأخيرة لئلا تتبين زيف ادّعاءاته!

۲۳- « تقریباً یقین داریم که مجمع عمومی سازمان ملل متحد از نقش کشور ما در امر مبارزه با مواد مخدر قدرانی خواهد کرد! »:

- ۱) قد نوقن بأنّ مجلس الأمن للأمم المتحدة سوف يشيد بدور بلدنا في مكافحة المواد المخدرة!
- ۲) نكاد نوقن بأنّ الجمعية العامّة للأمم المتحدة ستشيد بدور بلادنا في مكافحة ضلّات المخدرات!
- ۳) نتيقن تقريباً بأنّ المجمع العامّ للأمم المتحدة سيقيم تقريراً حول دور بلادنا في محاربة المخدرات!
- ۴) من الممكن أن جمعية الأمم المتحدة العامّة سوف تؤيد دور بلادنا في مكافحة ضدّ المواد المخدرة!

۲۴- « داور سرانجام یک ضربه آزاد از فاصله ۳۰ متری دروازه بضرر تیم میهمان اعلام کرد! »:

- ۱) في الأخير أعلم الحكم ركلة حرّة واحدة من ثلاثين متراً ضدّ مرمى فريق المضيف!
- ۲) إنّ الحكم قد أعلن الضربة الحرّة من فاصل ۳۰ متر إلى هدف فئة المضيف!
- ۳) قد أعلم الحكم ضربة حرّة واحدة من فاصل ۳۰ متر إلى هدف الفئة الضيفة!
- ۴) أعلن الحكم أخيراً ركلة حرّة من ثلاثين متراً إلى مرمى الفريق الضيف!

■ ■ عین الصحيح في التشكيل (٢٥ و ٢٦)

٢٥- « انه كان يتوسد الحجر و يلبس الخشن و يأكل الجشب و كان ادامة الجوع، و يعمل سفائف الخوص بيده و يسأل جلساءه: أياكم يكفيني بيعها! »

- (١) يَتَوَسَّدُ، يَلْبَسُ، الْجُوعُ، سَفَائِفُ، الْخُوصِ
(٢) الْحَجَرُ، الْخَشْنُ، الْجُوعُ، أَيُّكُمْ، يَبِيعُ
(٣) يَعْمَلُ، سَفَائِفُ، الْخُوصِ، أَيُّكُمْ، يَبِيعُ
(٤) أَنَّهُ، يَتَوَسَّدُ، يَأْكُلُ، الْجَشِبُ، إِذَا

■ ■ عین الخطأ: ٢٦-

- (١) مَآرِبُ عَاصِمَةُ الْمَمْلَكَةِ السَّنْبِيَّةِ الثَّانِيَةِ جَنُوبَ غَرْبِ الْجَزِيرَةِ الْعَرَبِيَّةِ،
(٢) اِسْتَهْرَتْ بِالسَّدِّ الْمَعْرُوفِ بِاسْمِهَا، وَ الَّذِي شَيْدٌ لِنَتْنِظِيمِ الرَّيِّ وَ وَقَايَةِ الْعَاصِمَةِ،
(٣) مِنْ أخطَارِ الْفَيْضَانَاتِ الْمَوْسِمِيَّةِ. يُنسَبُ خَرَابَةُ إِلَى السَّيْلِ الْعَرِمِ،
(٤) غَيْرَ أَنَّ الْأَرَجَحَ إِنَّهُ تَهَدَّمَتْ إِتْرَ زَلْزَالٍ أَوْ بُرْكَانٍ أَصَابَ الْمَنْطِقَةَ أَوْ نَتِيجَةَ لِإِهْمَالِ!

■ ■ عین الصحيح في الإعراب و التحليل الصرفي (٢٧ و ٢٨)

٢٧- ﴿ قال أ رأيتك هذا الذي كرمت علي ﴾:

- (١) أ؛ من أدوات الاستفهام و هي أصل هذه الأدوات، تأتي لطلب التَّصَوُّرِ و لطلب التَّصَدِيقِ و تدخل على الإثبات دون النفي، أمَّا بَقِيَّةُ الاسْتِفْهَامَاتِ فمختصة بطلب التَّصَدِيقِ، إلَّا «هل».
(٢) رأيتك؛ فعل و فاعله ضمير النداء، تبقى بلفظ الواحد لاتصال كاف الخطاب بها، فيقال: أ رأيتكما، أ رأيتكم ...، أي أخبرائي، أخبروني ...
(٣) ك؛ ضمير متصل للنصب حيث إن «رأى» من الأفعال المتعدية إلى مفاعيل ثلاثة، و يقصد بالجملة: «أ رأيت نفسك» و لا يقصد: «أ رأيت غيرك».
(٤) الذي؛ من الموصولات المختصة و خير مفرد و في محل رفع و هو مؤول بالمشتق، تأويله: هذا المكرم علي.

٢٨- « و تزيدين أطلب الطيب زينا إن تسميه، أين مثلك أينا! ». عین الخطأ:

- (١) تزيدين؛ مرفوع بثبوت نون الإعراب و فاعله ضمير البناء البارز، و مفعوله «أطلب»
(٢) زينا؛ اسم مفرد مذكر و جامد، تمييز نسبة أو مفعول به ثانٍ لفعل «تزيدين» و منصوب
(٣) تسمي؛ مضاعف (إدغامه جائز) و فعل شرط، و جواب الشرط فعل «تزيدين» المقدم على الشرط
(٤) أين؛ ظرف غير متصرف أو مفعول فيه للمكان و متعلقه محذوف، و شبه الجملة خبر مقدم و مرفوع محلاً

■ ■ عین المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (٢٩ - ٣٤)

٢٩- عین الصحيح عن الجمع: مرتضى، داع، قتيل، فتى، ابن عرس؛

- (١) مرتضون، داعين، قتيلون، فتون، بنو عرس
(٢) مرتضين، داعون، قتلى، فتية، بنات عرس
(٣) مرتضون، داعين، قتيلين، فتين، بنات عرس
(٤) مرتضين، داعون، قتالي، فتیان، أبناء عرس

- ۳۰- عین الخطأ: نقول العبارة التالية
- (۱) «جلست جلسة» لمن يسأل عن دفعات وقوع الفعل!
 (۲) «جلست جلوسين» لمن شك في دفعات وقوع الفعل!
 (۳) «جلست جلستين» لبيان دفعات وقوع الفعل!
 (۴) «جلست جلوساً» لإزالة الريب في وقوع الفعل!
- ۳۱- عین ما لا يمكن أن يبني للمجهول:
- (۱) انقلب يوم الرّوع، فطوبى لكم!
 (۲) ممّا لا شكّ فيه أنّنا قد اعتمدنا عليه!
 (۳) فات الأوان، فبا حسرتا عليه!
 (۴) أخيراً اهتدى الحائر هذا اهتداء الوالهيّن!
- ۳۲- عین الصحيح:
- (۱) لم تكّ المؤمنات قانطات من رحمة الله أبداً!
 (۲) لن أكّ كاذبة في أقوالي و لا في أعمالي بتاتاً!
 (۳) لم تكّ زميلتي راسبة في الامتحان و لم أكنه أنا!
 (۴) لن أكن من اللآتي يخالفن وعدهنّ بعد أن وعدن!
- ۳۳- عین الخطأ:
- (۱) تناولوا التفاح كل صباح تصحّوا!
 (۲) إقرؤوا دروسكم فتتجحوا نهاية العام الدراسي!
 (۳) لا تقفي مدة طويلة فتؤلمك رجلك!
 (۴) لا تأكلي كثيراً تصابي بأمراض مختلفة!
- ۳۴- عین ما ليس فيه المفعول معه:
- (۱) سكنت هذه الشقة أخيراً و أخي!
 (۲) سرنا ليلة أمس و الشارع الرئيسي لمدينتنا!
 (۳) تجادل المتظاهرون و الشرطة!
 (۴) كنّا جالسات و استاذاتنا في قاعة المحاضرات!
- ■ ■ اقرأ التصوص التالية (الف - ب - ج - د - هـ) بدقة؛ ثمّ أجب عن الأسئلة على حسب النصّ (۳۵ - ۷۰)
- ألف (۳۵ - ۴۱)
- إنّ تمييز البشر عن الحيوان بالقدرة على التفكير و الذكاء، و تمييزه باللّغة جعله يميّز في نشاطه العقلي؛ لذا لا يعقل أن تُجرّد دراسة اللّغة من العقل و يهتمّ فيها بدراسة الشكل المنطوق فحسب! و من ثمّ دعا تشومسكي إلى أنّه لا ينبغي أن نقف عند المنهج الوصفي باعتباره منهجاً مستقلاً لا يتجاوز حدود المادة التي ينطقها المتكلّم، على حين أنّه توجد أصول عميقة في التراكم اللّغوي تمثّل جزءاً ممّا يسمّى الطبيعة البشرية. و الجوانب الخفية لا تظهر على لسان المتكلّم و إنّما على اللّغوي أن يصل إليها بتقديراته و تأويلاته و إعادة ترتيب البنيات على طريق الافتراضات، و هكذا تكشف سيكولوجية العقل الناطق بالعربية! هذه التقديرات و ما تعدّه إفراطاً في كتبنا التراثية هو الذي تتكشف في ضوئه فضيلة البيان العربيّ فأذّي أمامنا منهج تفكير؛ فهل من المعقول أن نلغي الفكر بذريعة تسهيل القواعد؟!
- ۳۵- املأ الفراغات: « إنّ تمييز الإنسان بين بالناطقية و قدرته على توجبان على اللّغوي أن يهتمّ حتّى يفهم »:
- (۱) ذوي العقول / النطق / به / الكلام
 (۲) الحيوانات / العقلانية / بالعقل / قدرة الإنسان
 (۳) الخلائق / الكلام / باللّغة / الإنسان
 (۴) الكائنات / اللّغة / بجانبين / اللّغة الإنسانية

- ۳۶- **عین الخطأ:** «التقديرات و الافتراضات في صياغة الجملات العربية»:
- (۱) لا تنافي المحاولات في مجال تسهيل النحو!
 - (۲) نضلّ الباحث في دراساته اللغوية!
 - (۳) منهج تفكير لا العوبة بيد النحويين!
 - (۴) تكشف فضيلة البيان العربي!
- ۳۷- **عین الصحيح:** «من أسباب انتقال خفايا بنية الجملة إلى العمق و ظهور الجوانب الأصلية في بناء الجملة إلى السطح، هو»:
- (۱) تطوّر بنية الجملات عبر الزمان!
 - (۲) سيكولوجية العقل الناطق بالعربية!
 - (۳) البون الشاسع بين الجانب الإنساني و الحيواني في الإنسان!
 - (۴) نية الإنسان لإخفاء المرغوب عنه و إظهار المرغوب فيه!
- ۳۸- **صف المنهج الوصفي:**
- (۱) دراسة اللغة و تأثراتها عمّا حولها!
 - (۲) تبين اللغة و تغييراتها طول الزمان!
 - (۳) بيان مواصفات اللغة المستخدمة كما هي هي!
 - (۴) توصيف اللغة و بيان مؤهلاتها و إمكاناتها عبر تطوّرها!
- ۳۹- **لماذا يجب الاهتمام بالحقلين: العميق الخفي و الصوري الظاهري؟ لأنّ**
- (۱) الإنسان يتميز بالناطقية و العقلانية؛ فلا يمكن الفصل بينهما!
 - (۲) مستخدم اللغة بحاجة إلى التقديرات و التأويلات للحصول على معنى الجملة!
 - (۳) سيكولوجية العقل الناطقين باللغات تتبين عن طريق الاهتمام بالجانب الصوري!
 - (۴) ما جاء في الخفاء له أثر مباشر في النوايا التي قصدها المتكلم؛ فبدونها تشلّ فاعلية الجملة!
- ۴۰- **عین الصحيح:**
- (۱) تبسيط البنيات و حذف الزوائد و الاهتمام بالمذكور في الجملة ممّا لا حيلة لنا تجاهه!
 - (۲) بنية الجملات في كلّ لغة علامة ترشدنا نحو منهجية تفكير متكلمها!
 - (۳) لغة كلّ قوم شفرة ترشد المستقبلين إلى طبائعهم الحيوانية فحسب!
 - (۴) إدخال القوانين العقلية في اللغة يحول دون فهم اللغة و بنياتها!

۴۱- عین الصحیح: « المستتج من النصّ هو أن »:

- ۱) الفرق بين الإنسان و الحيوان يكمن في قوته العاقلة!
- ۲) بذور النظريات اللغوية المحدثة كانت في تراثنا اللغوي!
- ۳) المناهج التفكيرية هي من الركائز الأساسية لتسهيل النحو!
- ۴) تسهيل النحو يجري من مصب الاهتمام بالنظريات الحديثة!

ب (۴۲ - ۴۹)

إنّ اللغة باعتبار أنّها عمود الثقافة قد واجهت هجوماً عنيفاً في البلاد الإسلامية، خلاصته أنّ العربية الفصحى جامدة و أنّها في طريقها نحو الزوال! فسعى البعض إلى إحلال اللغات الأجنبية محلّها بادّعاء أنّها حيّة! فمن جرّاء الصراع الذي حدث إثر هذا - نتيجة الازدواجية في استعمال اللغة - تسرب إلى اللغة العربية شيء من الأساليب الأجنبية، فتلوعبت بنظام الجملة العربية و بموقعيّة المفردات. و مع مرور الزمن تحوّل هذا الغزو الخفي إلى تلاقح ثقافي ما بين الشرق و الغرب فاستساغ هذا أهل اللغة! فعلى أثر هذا قام اللغويون بمعالجة اللغة، لا في ضوء المعيارية المتزمّنة بل على ضوء الوصفية التي تنظر إلى اللغة كما هي. و لا شك في هذا الأمر أنّ تماسّ تخوم الجغرافية العربية بالتخوم الأجنبية يؤوّل إلى حركة أخذ و عطاء متعدّدة الوجود و إلى ظاهرة لغوية نسميها الافتراض أو بالأحرى التقارض و المقارضة، و هذا سار في جميع العصور مع جميع اللغات؛ ولكن الملفت للانتباه هو أنّ «القرض» في هذا الغزو يحتلّ محل «المستقرض» و يرى نفسه خالصاً لا يشوبه نقص، فينسى الأصل و يعتنى بالضيف! فهناك طريق أخطر من هذا و هو افتراض الأساليب و البنيات و نسيان الثبني الأصلية؛ ففي الواقع إنّما الضحية في هذه العملية هي ثقافة المجتمع!

۴۲- املاً الفراغ: « معالجة القضايا اللغوية في ضوء تطرد ما لا يلائم بنيات لغة الأم »:

- ۱) الازدواجية الثنائية ۲) المنهج الوصفي ۳) المنهج المعياري ۴) التلاقح الثقافي

۴۳- عین الصحیح:

- ۱) من أثار تقارب الحدود الجغرافية ظهور ظاهرة الأخذ و العطاء في اللغة!
- ۲) ورود الأساليب الأجنبية في لغة ما إنّما هو نتيجة الازدواجية في استعمال اللغة!
- ۳) كان مشروع التلاقح الثقافي من المخططات الأولية للعدوّ قد قام به منذ بداية غزوه الثقافي ضدنا!
- ۴) ممّا لاشك فيه هو أنّ استساغة أهل اللغة حول البنيات المصوغة الحديثة تسبّب رفع قدرات اللغة و شأنها!

-۴۴ عین الخطأ:

- ۱) المفردات كالكائنات الحية نموت و تحيي!
- ۲) افتراض المفردات يجري في جميع لغات العالم!
- ۳) ظاهرة الأخذ و العطاء في لغات البلدان المتاخمة أشد و أقوى!
- ۴) الملفت للنظر هو أن خطة التفارض مشروع ذو صلة بالقوى الاستعمارية!

-۴۵ عین الصحيح: « المقصود من الازدواجية هو أن »:

- ۱) أهل اللغة يستعملون اللغة في أساليب سالمة و خاطئة!
- ۲) التلاقح الثقافي ما بين الشرق و الغرب يسبب اقترانا بين القطبين!
- ۳) باحثي اللغة ينظرون إلى اللغة من اتجاهين: الاتجاه الوصفي و الاتجاه المعياري!
- ۴) القوم يستعملون لغة عادية في ظروفهم المعاشية، كما أنهم يستعملون لغة منمقة في مناسبات أخرى!

-۴۶ عین الصحيح: « الخطة المركزية للغزة هي »:

- ۱) إشاعة سياسة الازدواجية!
- ۲) إحلال لغة بدل الأخرى!
- ۳) إماتة لغات و إحياء أخرى!
- ۴) إشاعة الاقتراضات!

-۴۷ عین الخطأ: « على أساس المنهج الوصفي »:

- ۱) ليست عندنا حدود و معايير نقيم العبارات على أساسها!
- ۲) مستخدمو اللغة مكتوفو الأيدي تجاه الأساليب اللغوية الاقتراضية!
- ۳) يدرس الباحث لغة المستخدمين من دون الالتفات إلى جذورها و مبادئها!
- ۴) اهتمامنا ينصب على اللغة كما هي مستعملة، على سبيل المثال في عصر التلاقح الثقافي!

-۴۸ لماذا يتسرب العدو إلى بلادنا عن طريق اللغة؟ — لأن

- ۱) الجميع يحبون إحلال لغة الحديثة بدل القديمة!
- ۲) التسرب عن مجراها أسهل و المكتسبات أكثر!
- ۳) هذه الخطة ليست جلية ظاهرة، فأثراتها تتبين في الأمد الطويل!
- ۴) المشعوفين به في بلادنا يمهدون له الأرضية المناسبة عن هذا الطريق!

-۴۹ العنوان الأنسب للنص هو

- ۱) غزو العدو
- ۲) أهمية اللغة
- ۳) ضحية المجتمعات
- ۴) حياة اللغات و موتها

ج (۵۰ - ۵۶)

أشد إلياس أبو شبكة:

- ۱- تحرك الليل فقال الخيال من نيس يبكي في النياي الطوال
و لا يدمي العقلة الساهدة
- ۲- مسن لم يذق في الخبز طعم الألم و لم ينكر و جنتيه السقم
و تملخ الأوجاع منه حطم
- ۳- من لا يرى في الشمس طيف الغروب و يسمع الليل اختلاج القلوب
و يرصد الشمعة حتى تذوب
- ۴- من لم يغمس في هواء دمه من يمنع الأهوال أن تطعمه
و لا يرى في كل جرح حكم
- ۵- من نيس برقى نروة الجلجلة و لم يسمر في الهوى أنمه
و يرفع العظم و الخل له
- ۶- من يصرف العمر على المخل و لا يذوق البؤس في الأول
و لا الأسى في مخدع مقلد
- ۷- ن يعرف العمر شعاع الإله و ن يرى أماله في رؤاه
بل عالما يخط في مهزله

- ۵۰ عین الخطأ:

- (۱) تدمية العيون هي السبب لانسكاب الدموع! (۲) ليس الألم دخيلاً على مصير الإنسان بل مقيم معه!
(۳) مضجع الشاعر الرومانطقي في الألم و الترح! (۴) يدعو الشاعر إلى قبول الألم و معاناته في الحياة!

- ۵۱ عین الخطأ:

- (۱) إن الألم هو داء الوجود الذي لا ينجع فيه دواء!
(۲) يعثر الشاعر في الألم على حكمة الحياة و عظمتها!
(۳) إن الشاعر مع كل خفقة في فؤاده بحسن وجود الألم و يشعر به!
(۴) إن المقصود من تمثيل الألم صورة الصلب و من الجلجلة مذمة الألم!

- ۵۲ عین الخطأ: « المقصود من البيت الخامس هو »:

- (۱) أن الإنسان مصلوب على جلجلة الهوى و الألم! (۲) أنه لا فرق بين الحب و العذاب، فكلاهما مقدسان!
(۳) أن الإنسان مصاب بالأتعاب حيث لاحيلة له منها! (۴) أنه يدرك الكمال و الحقیقة عن طريق الحب و العذاب!

- ۵۳ عین البيت الذي يتكلم الشاعر عن المفهوم التالي: « للبيب الحاذق من يُبصر الطلام في غرة الصباح! »:

- (۱) الثالث (۲) الخامس (۳) السادس (۴) السابع

۵۴- عین الصحيح: المقصود من « و يرصد الشمعة حتى تذوب » هو

(۱) أن العمر يفتنى فلا بقاء لأحد منا في هذه الدنيا!

(۲) أننا يجب أن ننظر إلى زوال كل شيء قبل وجوده!

(۳) أننا يجب أن نغض النظر عن ضوئها و نعتني بذوبانها!

(۴) أن الفناء هو الأصل، فعلياً أن نطلبه أكثر مما نطلب البقاء!

۵۵- عین المصراع الذي يدعو فيه الشاعر إلى الوحدة:

(۱) و يرفع العلقم و الخلل له!

(۲) و لا يدمي المقلّة الساهدة!

(۳) و تسلخ الأوجاع منه حطم!

(۴) و لا الأسي في مخدع مقفل!

۵۶- عین البيت الذي جاء فيه هذا المفهوم: «لكل ألم غاية»

(۱) الثالث

(۲) الرابع

(۳) الخامس

(۴) السابع

د (۵۷-۶۵)

إن معظم أصحاب القرار السياسيين في البلدان العربية مسلمون في عقائدهم التقليدية، و لكنهم في الوقت نفسه حريصون على مواقعهم و مكاسبهم، و إن كانت ظروفهم في معظمها متناقضة مع الإسلام مناخاً و أنظمة و قوانين! و هنا لا بد من استشعار مسؤولية الدعاة و أهمية إدراكهم لمهمتهم و رسالتهم من خلال حوارهم و قربهم من أصحاب النفوذ؛ لأن إية نقطة ضعف قد يتعرض لها الداعية سوف تكون عائقاً قوياً يسبب انتكاساً للداعية، لأن مناخ الحكم و ما قد يسببه من استرخاء و بحقه من منافع يشكّل خطراً حقيقياً يجب أن تحسب له الحركة الإسلامية و دعواتها ألف حساب في تعاملها معهم، فقد يقع الطبيب فريسة لوباء مريضه! و هنا يحدث المحذور!

لقد أفرز قطاع المنقذين في الوسط الإسلامي نماذج متناقضة تحول بعضها إلى ورم ظهر خبثه واضحاً في التناقض السلوكي؛ فكم من صاحب قلم فكر أو مارس عملية نقد شديدة، و لكنه عجز عن ممارسة جانب من جوانب العمل، سواء على صعيد السكوك الشخصي أو الهم العام. فإن الظروف الحالية تفرض على المنظرين قبل العاملين التعاون في الكليات، بل إن الواجب يحتم على المنظرين أن يكونوا بمستوى نظريتهم فكراً و سلوكاً، لأنهم يعرفون مسؤولياتهم أمام الله و التاريخ!

۵۷- املأ الفراغ: «من واجب الحرص الشديد على لبحث القيم الإسلامية و و مطاردة الأفكار!...»:

(۱) الدعاة / التفرغ / السلوكية / الوافدة

(۲) جميع المنظرين / محاولة / الأخلاقية / الموفودة

(۳) حكام / الاهتمام / الفكرية / الخلاعية

(۴) التيارات الإسلامية / التحلي / العملية / المتناقضة

۵۸- عین الصحيح: « مشكلة أصحاب الثقافة هي.....»:

(۱) تضخم الأورام التي راجت بسببهم في المجتمع!

(۲) النماذج المتناقضة التي يعرفونها!

(۳) التناقض في المسؤوليات المحولة إليهم!

(۴) فقدان التوحيد بين الفكر و العمل!

۵۹- ما هي الخطرات المحيطة بالدعاة في علاقاتهم مع مراكز القدرة؟

(۱) انخداعهم و استسلامهم!

(۲) انتكاس الداعية في تحقق أهدافه!

(۳) استنشعار المسؤوليات الجسيمة الملقاة على عاتقهم!

(۴) تناقض مناخ أنظمة الحكم و قوانينها مع القيم الإسلامية!

۶۰- عین الخطأ:

(۱) إن مجرى تصحيح الأمور يعبر عن طريق إصلاح أنظمة الحكم و المدعون لإصلاحها كذلك!

(۲) إن جميع أصحاب الرأي في البلاد العربية يشككي من التناقض الموجود في الكلام و العمل!

(۳) ظروف الحكم و ما فيه من الإغواءات و الفتن تسقط الكثير ممن لم يتمسك بعنان عقله!

(۴) ليس اهتمام أغلب الأمراء و أصحاب النفوذ بالانحياز إلى جانب الطبقات المسحوقة!

۶۱- متى يقع ما يقع؟! عند

(۱) حوارات الدعاة و قريهم من أصحاب النفوذ! (۲) شيوع الانتكاسات في أنظمة الحكم!

(۳) الافتتان بالمنظمات الحكومية و ما فيها! (۴) استرخاء المثقفين تجاه العوائق!

۶۲- عین الخطأ:

(۱) و كأيمن من مفكر لا يشبه عمله فعله!

(۲) إشكاليات تصرقات المفكرين أصبحت واضحة جلية!

(۳) المنظرون دفعوا مجتمعاتهم نحو التقدم من خلال فكرهم و سلوكهم!

(۴) ليست الأنظمة الفاسدة هي المانع الأساس للحيلولة نون تحقق الآمال!

۶۳- عین الأقرب إلى العبارة التالية: « قد يقع الطبيب فريسة لوباء مريضه! »

(۱) رباً زارع لنفسه حاصد سواه!

(۲) الحاوي لا ينجو من الحيات!

(۳) أراد أن يجبرها فزادها كسراً!

(۴) كذي العز يكوي غيره و هو رافع!

۶۴- عین الصحيح: « نتيجة النص هي أن

(۱) مطاردة الظلم الاجتماعي تتحقق عن طريق إصلاح أصحاب النفوذ!

(۲) على المنظرين أن يقتربوا من الشعب و يتناولوا همومهم و مشكلاتهم!

(۳) البديل الوحيد للأنظمة الفاسدة في البلدان العربية في عالمنا اليوم هو الحركات الإسلامية!

(۴) لململة أشلاء الأمة و إصلاح المجتمعات الإسلامية بحاجة إلى أناة رانديها و ذكاوتهم و تصحيح أخطائهم!

۶۵- العنوان الأنسب للنص هو

- (۱) مسؤولية المنظرين!
 (۲) تناقضات عدة عند أصحاب الفكر والرأي!
 (۳) أنظمة الحكم و أخطارها!
 (۴) الحركات الإسلامية و الخطرات المحدقة بها!

هـ (۶۶ - ۷۰)

أعلنت الحكومة عن (۶۶) استراتيجية جديدة لإقامة (۶۶) اقتصادية جديدة، و ذلك بهدف (۶۷) عمل العمال و إشغالهم بالأعمال الإنتاجية. في هذا المجال تحصيل (۶۷) الأثمة و استيفاء شروطها هو (۶۸) الجديد لمن يريد أن يدخل نفسه في مجال (۶۸) الاستثمارات. من جانب آخر يشعر القرب بأن التقنية هي جانب (۶۹) من ميزته النسبية و هو يعمل (۶۹) هذه القوة لبوغ أهدافه العليا في (۷۰) الاقتصادي و السياسي، و نكن بعض حكومات العالم الثالث تشدد على استيراد هذه التقنيات مع (۷۰) الاعتقاد لديهم بوجود حاجة ماسة لعمل جاد و طويل!

اجعل بدل الأرقام ما يناسب من المفردات (۶۶-۷۰):

- | | | | |
|--------------------------|-----------------------|-----------------------|------------------------|
| ۶۶- (۱) اتخاذ / شركات | (۲) إيجاد / نشاط | (۳) تبنى / مرافق | (۴) مصادقة / سياسات |
| ۶۷- (۱) ازدياد / المواد | (۲) انخفاض / القيود | (۳) ارتفاع / إمكانيات | (۴) تقليل / المؤهلات |
| ۶۸- (۱) الشرط / دفع | (۲) الهاجس / اجتذاب | (۳) الأمر / استيراد | (۴) الهامس / استقطاب |
| ۶۹- (۱) رئيسي / لاستخدام | (۲) أساسي / كتوظيف | (۳) قوي / جاهداً | (۴) رفيع / لمستخدم |
| ۷۰- (۱) الجانبين / تفاقم | (۲) الحقلين / استثمار | (۳) الموقفين / عظمة | (۴) المضمارين / مشاركة |

انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی

دانلود جدیدترین کتابها و مقالات مربوط

به رشته عربی

www.balout.net

www.iaall.ir